گفت‌وگو با عطریانفر، موسوی‌تبریزی، انصاری‌راد، نگهدار، منصوری، شاهسوندی، موسویان، میثمی و هاشمی

۱۲ تا ۲۲ بهمن به روایت انقلابیون

عکس: AP

ادامه از صفحه ۳

شاه که رفت و بختیار هم قدرتی نداشت و مسلم بود انقلاب پیروز می‌شود اما در رأس آنها که در مدیریت انقلاب بودند، به آنها سمتی برای اداره کشور داده شد مانند مهندس بازرگان که شخصیت بسیار بسیار متدینی بود و اکثر علمای سیاسی با قبولش داشتند و واقعا خودش و خانواده‌اش متدین بودند و از این جهت تا حدودی به ذهن خیلی‌ها می‌آمد که ایشان دولت را به دست بگیرد؛ البته شورای انقلاب زمانی که امام در پاریس بودند، تشکیل شده و پیشنهادهایی از اینجا داده شده بود که قطعا علمای بزرگی مانند حضرت آیت‌الله منتظری و دیگران در این پیشنهاد سهیم بودند و امام فرموده بود که از تهران عده‌ای را برای شورای انقلاب و نخست‌وزیری پیشنهاد دهند. لذا دور از ذهن نبود که آقای بازرگان در مسیر یکی از پست‌های حساس مملکتی باشد».

او ادامه داد: «یک چیزی بگویم شما شاید تعجب کنید؛ آن موقع با آن حال‌وهوا در ۹۹/۵ درصد افراد اصلا کسی به فکر قدرت و مقام و حکومت نبود چه رسد به روحانیت؛ روحانیت هم اصلا در فکر پست و مقام نبودند و فقط در شورای انقلاب با دستور امام به عنوان مشورتی چند روحانی عضو بودند. آن موقع اصلا همان‌هایی که در شورای انقلاب بودند، بزرگانی مانند آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری و شهید مطهری بودند؛ مراجع هم اصلا ورود نکردند و بعدها نیز روحانیون از جمله آقای هاشمی و آیت‌الله خامنه‌ای به دنبال پست و مقام نبودند؛ البته روحانیون به امام مشاوره می‌دادند؛ ازجمله شهید بهشتی و آیت‌الله منتظری اما به فکر قدرت‌طلبی نبودند. پاکی و وفا و هوای نفس نداشتن مشخصه‌های انقلابیون بود. هر کسی در انقلاب مشارکت داشت ذره‌ای در ذهنش نبود که دنبال قدرت و شهرت باشد و همه به دنبال انجام وظیفه بودند. من همیشه به این فکر می‌کنم که تقریبا تا سال‌های پایانی جنگ هم این روحیه وجود داشت اما بعد از آن تقریبا کم‌کم سرمایه‌دارها و بعضی از قدرت‌طلبان وارد شدند و آن روحیه متوقف شد و سیر نزولی پیدا کرد».

او با ذکر یک خاطره به سخنان خود پایان داد: «خاطره خیلی خاصی ندارم. ما در دهه فجر قم بودیم و دوستان کلانتری‌ها را گرفته بودند و درگیر این مسائل بودیم و با آیت‌الله یزدی هم همکاری داشتیم. وقتی امام آمد می‌خواستیم ایشان را هرچه زودتر ببینیم. آن وقت برادر من در زندان بود و هنوز آزاد نشده بود. وقتی امام وارد شد من نظم جلو دانشگاه را بر عهده داشتم. وقتی امام وارد شد ایشان را دیدم و عصر آن روز به قم برگشتم و در قم بودیم تا کارهای انقلاب را سروسامان دهیم. بعد از چند روز برای آزادی برادرم به زندان قصر در تهران رفتم. برادر که آزاد شد با هم به سمت مقری که امام مستقر بودند، حرکت کردیم و مرحوم آیت‌الله مطهری را در آنجا دیدیم و با هم خدمت امام رفتیم که ایشان خیلی محبت فرمودند و اخبار قم را به حضرت امام دادم و دوباره به قم برگشتیم».

انصاری‌راد: سازمان دهی روحانیت از سوی هاشمی انجام می‌شد

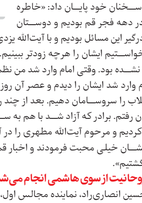

حسن انصاری‌راد، نماینده مجلس اول، پنجم و ششم، دبیر ارشد روحانیت در انقلاب به «شرق» گفت: «محور انقلاب و تصمیم و نقشه‌های انقلاب در اختیار شخص بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، امام بود؛ یعنی هم چشم‌ها در آغاز پیروزی انقلاب به ایشان بود که چه تصمیمی می‌گیرند و افراد جقدر می‌توانند در کنار ایشان حضور داشته و با ایشان همراه باشند و نظر ایشان را همه مطالبه می‌کردند و همه ملت هم چشمشان به تصمیمات امام دوخته شده بود؛ البته ایشان در اغاز انقلاب به هم مهاجرت کردند ولی جمعیت کشور همه به ظرف قم هجوم می‌بردند و ایشان هم کاهی خطابه‌ای کوتاه یا بلند مخصوصا در مدرسه فیضیه ایراد می‌فرمودند و از داخل یکی از غرفه‌های مدرسه فیضیه دستی برای مردم کاهی می‌دادند و خود دولتی وجود نداشت تا دولت موقت تشکیل شد و مقداری معلوم بود و مشخص شد که شخصیت امام بیشتر خیلی ظهوری در حکومت نداشته باشد و در انتخابات اول ریاست‌جمهوری هم بیشتر منتخب شد که ایشان خیلی تمایلی به اینکه یک روحانی ریاست‌جمهور باشد، نداشتند؛ البته حزب جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب تشکیل شد و مرحوم بهشتی و آقای هاشمی که به نظر من نقش او از مرحوم بهشتی در شاردن‌دادن تشکیلات حزب جمهوری اسلامی بیشتر بود؛ البته باز از نظر مسائل تشکیلاتی به مرحوم بهشتی مربوط بود که من اطلاعی ندارم اما سازمان‌دهی روحانیت توسط آقای هاشمی انجام می‌شد و کاری تردید نبود و شورای انقلاب هم در جریان تصویب قوای قرار داشت و تصمیمات خاصی را برای اداره کشور می‌گرفت و کشور در اختیار کمیته‌های انقلاب بود و در راس این کمیته‌ها هم بیشتر اوقات روحانیون حضور داشتند در شرایطی که ادارات و شهرسازی از کفاده نبودند؛ بنابراین کشور در حالت انتظار قرار داشت که امام دولت موقت را تشکیل داد تا مجلس خبرگان را تشکیل دهد و قانون اساسی تنظیم شود. در کوبنده خبرگان هم اعضای مؤثر عمدتا از روحانیون بودند».

او همچنین گفت: «روحانیت در کنار امام نقش عمده‌ای را در انقلاب ایفا کرده بود و طبیعتا ایجاب می‌کرد اکثریت قریب‌الاکثر مجلس را در شهر که مسئول اداره شهرها بودند، در اختیار روحانیت باشد. در کمیته مرکزی تهران هم مرحوم آیت‌الله مهدوی‌کنی مسئول بود و ایشان جزو اهل مشورت بود، با مشورت کمیته‌ها را اداره می‌کرد. مرحوم مخصوصا روشنفکران و نخبگانی که در انقلاب نقش عمده‌ای در پیروزی انقلاب ایفا کردند و بعد از ۲۸ مرداد فعال شدند، اینها نقش داشته باز مورد حمله قرار داشت مخصوصا بقایای جبهه ملی و نهضت آزادی، شخصیت‌های آزادی‌خواه و حزب ملی خواه تا حدودی نقش خودشان را به شکلی ایفا می‌کردند؛ البته در کمیته‌ها نمی‌شد نداشت اما در سطح افکار عمومی نقش داشتند و روحانیت یکسره قدرت را به دست گرفت و حزب جمهوری اسلامی هم از روحانیون تشکیل شد بود و تحت نفوذ مرحوم بهشتی و هاشمی انجام وظیفه می‌کرد و کمیته‌ها چشمشان به حزب جمهوری اسلامی بود».

نگهدار: دست بوسان ماه قمر که رفته بودند

فرهاد نگهدار، فعال سیاسی و رهبر سابق سازمان فدائیان خلق اکثریت هم در گفت‌وگو با «شرق» درباره انقلاب‌های انقلاب گفت: «این پرسشی است که تا همیشه، شاید برای قرن‌ها، ذهن ایرانیان را هرچه زودتر ببینیم. آن وقت برادر جاهلی از جهانیان را به پاسخ‌گویی مسئول می‌کند و تا ابد هم پاسخگی که موردِ تایید همگان باشد، پیدا نخواهد شد و ما ایرانیان، مثل بقیه ملل، برای ارائه پاسخ برای ساختن آینده‌های متفاوتی نقل می‌کنیم. اگر از من بپرسید چرا انقلاب شد؟ با قاطعیت جواب خواهم داد اولین علت انقلاب این بود که شاه به اندازه کافی به ملت و موجب شد که دمتکرداران